

باز تعریف نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با تأکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

نویسندگان: امیرحسین مزینی^۱ و سعید قربانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۲/۲۷

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۳

چکیده

مروری بر تحولات اخیر اقتصاد ایران حکایت از آن دارد که دستیابی به منابع نفتی، موجب افزایش وابستگی دولت به این منابع و بزرگ شدن حجم دولت، اهمال در اخذ مالیات، عدم شفافیت در عملکرد دولت و... شده است. این وضعیت ریشه در آنجا دارد که نه تنها اقتصاد ایران در تعریف مزاد درآمدهای نفتی و هزینه‌کرد آن با مشکل مواجه بوده است، بلکه اساساً در هزینه‌کرد بخش اصلی و غیرمزاد این درآمدها هم در قالب برنامه‌های مشخص عمل نکرده است که ناکارایی و نابسامانی موجود در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور (به‌ویژه در حوزه‌های پولی، مالی و ارزی) خود مصادیقی از این شرایط می‌باشند؛ از این رو لازم است هنگامی که پرداختن به مقوله مدیریت درآمدهای نفتی در دستور کار می‌باشد، به موضوع از هر دو رویکرد فوق نگریسته شود؛ یعنی مدیریت بهینه مصرف درآمدهای نفتی از یک سو و همزمان طراحی سازوکارهای لازم جهت مدیریت مزاد این درآمدها. پرداختن به این مهم، نیازمند اتخاذ رویکردی استراتژیک و برنامه‌ریزی بلندمدت می‌باشد. در همین راستا موضوع مقاله حاضر طراحی نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی است. بدین منظور تلاش گردیده با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با استفاده از روش تحلیل شکاف و با الهام‌گیری از اصول کلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی موضوع دنبال گردد. نتایج حکایت از آن دارد که برای مدیریت بهینه درآمدهای نفتی دستیابی به یک سازوکار مناسب برای هزینه‌کرد بخش اصلی این درآمدها در قالب بودجه سنواتی، شرط لازم و طراحی سازوکار کارآمد ذخیره‌سازی مزاد این درآمدها (مثلاً در قالب صندوق توسعه ملی) شرط کافی به حساب می‌آید. هر یک از این دو بحث، خود مستلزم مجموعه‌ای منسجم از سیاست‌ها و راهکارهای عملیاتی در بستر زمان هستند که در قالب نقشه راه پیشنهادی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی:

مدیریت درآمدهای نفتی، اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلان، نقشه راه

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۲. کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس



۱- مقدمه

افزایش درآمدهای ارزی و توسعه صادرات برای اقتصاد یک کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. در کشورهایی که دارای منابع طبیعی از قبیل نفت می‌باشند، صادرات منابع طبیعی به دلیل سهولت در استخراج آنها در اولویت قرار می‌گیرد و از آنجایی که درآمدهای حاصل از صادرات نفت از محل افزایش ظرفیت‌های تولیدی بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نیست، در بلندمدت تحت شرایطی آثار منفی بر بخش‌های دیگر اقتصادی می‌گذارد و این آثار منفی در حقیقت منافع ایجادشده در بخش‌های رونق یافته را از بین می‌برد. می‌توان این فرایند را بدین نحو توصیف نمود که افزایش درآمدهای ارزی و تزریق آن به اقتصاد، باعث افزایش تقاضای مؤثر و در پی آن افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و به‌ویژه قیمت کالاهای غیر قابل مبادله (به دلیل عدم امکان واردات) می‌شود. متعاقباً به دلیل حاشیه سود بالاتر در بخش‌های مربوط به کالاهای غیر مبادله، سرمایه‌گذاران برای کسب سود بیشتر تمایل می‌یابند که منابع خود را برای تولید و معامله این کالاها تخصیص دهند که در نهایت، منجر به رکود تولید در بخش‌های قابل مبادله می‌شود. این فرایند در اغلب کشورهای نفتی و از جمله ایران، به‌ویژه طی چند دهه اخیر دیده می‌شود.

درآمدهای نفتی ایران از ابتدای دهه ۸۰ از روندی صعودی برخوردار بوده و در نیمه دوم دهه ۸۰ به بالاترین سطوح خود رسید و در نهایت، در سال ۱۳۹۰ از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار نیز عبور کرد. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که اگر طی دهه ۸۰، با کارکرد صحیح حساب ذخیره ارزی سالانه تنها ۳۰ درصد از درآمدهای نفتی کشور پس‌انداز و به ذخایر ارزی تبدیل می‌شد، موجودی حساب در پایان سال ۱۳۹۰ به ۲۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. حال آنکه در پایان سال ۱۳۹۱ ذخیره ارزی کشور از رقم ۵۴ میلیارد دلار فراتر نرفت. این وضعیت حکایت از مدیریت ناکارای مازاد درآمدهای ارزی در کشور دارد. این در حالی است که مدیریت اعمال شده در هزینه‌کرد بخش اصلی این درآمدها که در قالب بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی می‌شود نیز وضعیت چندان بهتری طی دهه‌های اخیر نداشته است.

به عبارت دیگر، مروری بر تحولات اخیر اقتصاد ایران آشکار می‌سازد که نه تنها اقتصاد ایران در تعریف مازاد درآمدهای نفتی و هزینه‌کرد آن با مشکل مواجه بوده است، بلکه اساساً در هزینه‌کرد (بخش اصلی و غیر مازاد) این درآمدها هم قانونمندی خاص نداشته و به‌شدت با نوعی روزمرگی مواجه بوده است. ناکارایی و نابسامانی موجود در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور (به‌ویژه در حوزه‌های پولی، مالی و ارزی) خود مصادیقی از این شرایط می‌باشند. این شرایط، آسیب‌پذیری اقتصاد ملی را با توجه به



نقش نفت در آن تشدید نموده است که برخی از تبعات آن در سال‌های اخیر به وضوح مشهود بوده است. در چنین شرایطی مقتضی است هنگامی که صحبت از مدیریت درآمدهای نفتی می‌شود، از هر دو رویکرد به موضوع نگریسته شود؛ یعنی مدیریت بهینه مصرف درآمدهای نفتی در اقتصاد ملی از یک‌سو و همزمان تدارک سازوکارهای لازم برای پس‌انداز این درآمدها و مدیریت بهینه آنها با توجه به تجربیات موجود در عرصه جهانی از سوی دیگر. دنبال نمودن این مهم با توجه به اینکه عملکرد موجود در اقتصاد ایران حاکی از نوعی مشکل ساختاری و مزمن می‌باشد، نیازمند اتخاذ رویکرد راهبردی و برنامه‌ریزی بلندمدت و به عبارت دیگر، نیازمند در اختیار داشتن یک نقشه راه^۱ است که همه دستگاه‌ها و نهادهای ملی سیاستگذاری، خود را ملزم به اجرا و هماهنگی با آن بدانند. این بحث (طراحی یک نقشه راه) موضوع اصلی مطالعه حاضر است. متدلوژی تحقیق بدین صورت می‌باشد که ابتدا با استفاده از روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای نسبت به شناسایی و استخراج وضع موجود و مطلوب اقدام گردیده و در ادامه با استفاده از روش تحلیل شکاف و بهره‌گیری از نظر خبرگان (پس از تحلیل وضع موجود و طراحی وضع مطلوب) با استفاده از ادبیات رایج به تحلیل شکاف پرداخته و با استخراج استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی (به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت)، نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران استخراج شده است. بدین منظور بعد از مقدمه حاضر، در قسمت دوم به ادبیات موضوع پرداخته می‌شود و در قسمت سوم، آسیب‌شناسی مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران از رویکردهای مختلف (مدیریت هزینه‌کرد درآمدهای نفتی، مدیریت مازاد درآمدهای نفتی و آسیب‌شناسی وضع موجود) در دستور کار قرار گرفت. در قسمت چهارم به تبیین وضع مطلوب^۲ پرداخته شد. قسمت پنجم و ششم به ترتیب به تحلیل ماتریس SWOT و تحلیل شکاف (استخراج نقشه راه مبتنی بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، برای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب در مدیریت بهینه درآمدهای نفتی) اختصاص یافته و در قسمت هفتم و پایانی نیز به جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری مطالعه پرداخته شده است.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱- مبانی نظری

در ارتباط با مدیریت درآمدهای نفتی مهم‌ترین نظریه، تئوری نفرین منابع و به تبع آن بحث بیماری هلندی است که در ادبیات موضوع به آنها اشاره می‌شود. در این

1. Road Map

2. To Be



بخش، با توجه به موضوع مطالعه، با رویکردی توصیفی این تئوری‌ها به اجمال مورد اشاره قرار می‌گیرند.

واژه نفرین منابع، نخستین بار در سال ۱۹۹۳ در ادبیات اقتصادی استفاده شد (Auty, 1993). در حقیقت، موضوع عملکرد اقتصادی ضعیف کشورهای دارای منابع طبیعی غنی در ادبیات اقتصادی، به عنوان فرضیه نفرین منابع معرفی شده است. ایده اساسی نظریه نفرین منابع این است که کشورهای دارای منابع طبیعی غنی، عموماً در بلندمدت دارای عملکرد ضعیف‌تر و لذا رشد اقتصادی پایین‌تر نسبت به کشورهای بی‌بهره‌چندانی از منابع طبیعی نبرده‌اند، هستند (Sachs and Warner, 1995). در این راستا، تجربه هلند در دهه ۱۹۸۰ که در پی اکتشافات حوزه گازی گرونینگن رخ داد، توجهات را به بیماری هلندی که مشکلات اقتصادی مهم برای این کشور به وجود آورد، معطوف کرده بود. بیماری هلندی^۱ به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در آن، بر اثر شوک ناشی از ورود درآمد یا ثروت برون‌زا^۲ به اقتصاد، بخش تولید محصولات قابل مبادله^۳ از طریق دو اثر تحرک عوامل تولید^۴ و اثر مخارج^۵ تحت تأثیر منفی قرار گرفته و میزان تولید و سطح اشتغال این بخش کاهش می‌یابد. با افزایش درآمدهای ارزی برون‌زا، کالاهای قابل مبادله رونق نیافته، به طور معکوس تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این کاهش در تولید و اشتغال کالاهای قابل مبادله در قالب دو اثر بررسی می‌گردد.

- اثر تحرک منابع: با رونق بخش انرژی (بخش رونق یافته) تقاضای این بخش برای عوامل تولید افزایش یافته و باعث کاهش سطح اشتغال و تولید بخش قابل مبادله رونق نیافته می‌شود. این شرایط ضد صنعتی شدن مستقیم^۶ نامیده می‌شود.

- اثر مخارج: با افزایش درآمد برون‌زا تقاضا برای همه کالاها افزایش می‌یابد. در حالی که تقاضا برای کالاهای قابل مبادله در قیمت ثابت (فرض کشور کوچک) از طریق واردات تأمین می‌گردد، تقاضای کالاهای غیرقابل مبادله^۷ که باید از طریق تولیدات داخلی تأمین گردد، باعث افزایش قیمت این کالاها خواهد شد. این باعث کاهش بیشتر اشتغال و تولید کالاهای قابل مبادله می‌گردد. این شرایط، ضد صنعتی شدن غیرمستقیم^۸ نامیده می‌شود.

1. Dutch disease

۲. درآمدهای ارزی برون‌زا می‌توانند بر اثر عوامل زیر وارد اقتصاد شوند: افزایش برون‌زا در بهای بین‌المللی کالاهای قابل مبادله، پیشرفت فنی در بخش قابل مبادله، افزایش کمک‌های خارجی، کشف منابع طبیعی جدید، افزایش در تقاضای کالاهای قابل مبادله و سرمایه‌گذاری خارجی

3. Tradeable goods

4. Factor movement effect

5. Expenditure effect

6. Direct De-industrialization

7. Non-tradeable goods

8. Indirect De-industrialization



افزایش نسبی قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قیمت کالاهای قابل مبادله - که به آن نرخ ارز واقعی^۱ می‌گویند - کانالی است که از طریق آن، سایر بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تولید، اشتغال، تورم، صادرات سایر بخش‌ها، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، واردات، بهره‌وری و رقابت‌پذیری، از جمله مواردی است که از بیماری هلندی اثر می‌پذیرند.

معمولاً برای بررسی تأثیر بیماری هلندی بر عملکرد اقتصاد، کل اقتصاد را به سه بخش کلی تقسیم می‌کنند که عبارتند از: الف - بخش منابع طبیعی (مانند نفت) ب - بخش کالاهای قابل تجارت (مانند ساختمان، حمل‌ونقل، خدمات و جز اینها) در طرف عرضه اقتصاد، موقعی که ارزش کالاهای و تولیدات در بخش منابع طبیعی به طور برون‌زا افزایش می‌یابد، تولید نهایی نیروی کار در آن بخش افزایش می‌یابد و این کار موجب می‌شود نیروی کار از تمامی بخش‌های دیگر اقتصاد به این بخش رونق یافته حرکت کنند. این امر به نوبه خود به کاهش استفاده از عوامل تولید در بخش قابل تجارت و در نتیجه، انقباض آن می‌انجامد. این اثر به منزله جابه‌جایی منابع شناخته شده است (Stijn, 2002).

در طرف تقاضا، رونق در بخش منابع طبیعی موجب افزایش درآمد در داخل کشور مفروض و بنابراین، افزایش تقاضا برای همه کالاهای خواهد شد. چون قیمت کالاهای قابل تجارت متأثر از قیمت‌های جهانی است و چه بسا در بازار جهانی تعیین می‌شود، این اضافه تقاضا و به تبع آن اضافه مخارج، قیمت‌های نسبی کالاهای غیرقابل تجارت را افزایش می‌دهد و در نتیجه، نرخ ارز واقعی افزایش می‌یابد. در واکنش به این پیامد، عوامل تولید متحرک از بخش کالاهای قابل مبادله به بخش کالاهای و خدمات غیرقابل مبادله جابه‌جا می‌شوند. این اثر به اثر مخارج یا هزینه شناخته شده است (Barder, 2006).

ذکر این نکته ضروری است که اساسی منابع نفت و رانت حاصل از آن، به خودی خود نمی‌تواند یک نفرین تلقی شود و در تجارب اقتصادی موجود به صورت پراکنده نمونه‌هایی از کشورهایی وجود دارند که نشان می‌دهد به جای نفرین از موهبت درآمدهای نفتی برخوردار شده‌اند. نمونه بارز این مدعا را می‌توان کشور نروژ دانست که امروزه به عنوان الگویی برای سایر کشورهای دارای منابع نفتی مورد توجه است؛ بنابراین به نظر می‌رسد آنچه در این میان حائز اهمیت و منشأ تفاوت میان کشورهای موفق و ناموفق است، نحوه مدیریت درآمدهای حاصل از نفت است که موضوع مقاله حاضر (در ارتباط با ایران) می‌باشد.



۲-۲- مروری بر مفهوم اقتصاد مقاومتی

واژه «اقتصاد مقاومتی» برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ به عنوان راه برون‌رفت از شرایط وقت حاکم بر کشور، وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی کشور شد. ایشان متعاقباً در تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند: اقتصاد مقاومتی، یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند... یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین‌کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد (مقام معظم رهبری، ۱۶/۵/۱۳۹۱).

در این چارچوب برداشت‌هایی از تعریف اقتصاد مقاومتی مطرح گردیده که به صورت نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

الگوی اقتصاد مقاومتی، یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند؛ به گونه‌ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی اقتصاد کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکا بر نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا کرده و زمینه‌ساز هدایت بشر است (معلمی، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. در جمع‌بندی تعاریف مطرح شده می‌توان اقتصاد مقاومتی را مجموعه‌ای از تدابیر مدیریتی اقتصادی دانست که (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲):

- آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر خطرهای متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش دهد.
- در شرایط فشار، روند رو به رشد اقتصادی (و شکوفایی) در کشور را حفظ کند.
- حوزه‌های فشار را شناسایی نموده و به دنبال آن، برای بی‌اثر کردن آنها و تبدیل تهدیدات به فرصت، قابلیت داشته باشد.
- با اتکا بر قوت‌های اقتصاد داخلی به مقابله با ضعف‌ها پرداخته، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا نماید.

با توجه به تعریف فوق و با توجه به نقش کلیدی بخش نفت در اقتصاد ایران، بدون شک یکی از حوزه‌های مورد تأکید در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید بخش نفت باشد که این موضوع به خوبی در قالب بندهای ۱۳ الی ۱۸ از ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (به شرح زیر) مورد تأکید قرار گرفته است:



۱۳- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:

- انتخاب مشتریان راهبردی
- ایجاد تنوع در روش‌های فروش
- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش
- افزایش صادرات گاز
- افزایش صادرات برق
- افزایش صادرات پتروشیمی
- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی

۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی

نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع

۱۶- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضروری و هزینه‌های زائد

۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و

گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت
در ادامه، تلاش می‌گردد در طراحی نقشه راه پیشنهادی، اصول کلی فوق به‌عنوان مفاد یکی از اسناد بالادستی ملی مدنظر قرار گیرد.

۲-۳- مروری بر مطالعات انجام‌شده

در ارتباط با مدیریت درآمدهای نفتی، مطالعات مختلفی انجام‌شده و هر یک با رویکردی خاص به موضوع پرداخته‌اند. می‌توان مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور را در قالب جداول ۱ و ۲ به شرح زیر خلاصه نمود.



جدول ۱. مروری بر مطالعات خارجی انجام شده در زمینه درآمدهای نفتی

نویسنده (سال)	روش و نتایج
۱. ال انشاسی و همکاران ^۱ (۲۰۰۶)	در مطالعه خود به بررسی ارتباط قیمت نفت با درآمدهای دولت، رشد اقتصادی، مصرف و سرمایه گذاری می پردازد. آنها بحث می کنند که وابستگی اقتصاد ونزولا به قیمت نفت افزایش یافته و این افزایش وابستگی، به همراه رشد کمتر بخش های کشاورزی و صنایع غیرنفتی بوده است. نتایج نشان می دهد که تغییرات قیمت نفت، اثر منفی بر کارایی اقتصاد ونزولا داشته و این کشور از نفرین منابع رنج می برد.
۲. سورهان ^۲ (۲۰۰۷)	به بررسی اثرات صندوق نفتی قزاقستان بر ثبات اقتصاد کلان با استفاده از تحلیل های اقتصادسنجی سری زمانی پرداخته است. وی همچنین میزان کارایی صندوق را در کشورهای در حال تحول به طور توصیفی بررسی نموده و کارایی صندوق ها را منوط به کیفیت نهادی و همچنین شفافیت عملکرد دولت دانسته است. نتایج این تحقیق حاکی از اثرات مثبت اولیه صندوق در افزایش ثبات اقتصاد کلان می باشد، هر چند زمان کافی برای بررسی دقیق این موضوع هنوز سپری نشده است.
۳. مهرآرا (۲۰۰۷)	این مقاله به بررسی رابطه علی بین مصرف سرانه انرژی و تولید ناخالص داخلی سرانه برای ۱۱ کشور صادرکننده نفت در رهیافت داده های تابلویی پرداخته است. همچنین با استفاده از آزمون واحد، ریشه پائل و تجزیه و تحلیل هم انباشتگی پائل به تجزیه و تحلیل مدل پرداخته است. نتایج نشان می دهد علیت قوی یک طرفه از رشد اقتصادی به مصرف انرژی برای کشورهای صادرکننده نفت وجود دارد. یافته ها دارای پیامدهای سیاست عملی برای تصمیم گیرندگان در زمینه برنامه ریزی اقتصاد کلان است؛ به عبارتی در بسیاری از کشورهای عمده صادرکننده نفت، سیاست های دولت در حفظ قیمت های پایین تر از سطح بازار آزاد است و این امر منجر به سطوح بالای مصرف انرژی داخلی می شود. نتایج حاکی است که حفاظت از انرژی از طریق اصلاح سیاست های قیمت انرژی، عواقب مخرب بر رشد اقتصادی برای این گروه از کشورها خواهد داشت.
۴. مهرآرا و نیکی اسکویی (۲۰۰۷)	این مقاله با استفاده از مدل ساختاری به بیان منبع نوسانات اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت می پردازد؛ به طوری که با اعمال محدودیت های بلندمدت در مدل VAR به بررسی چهار شوک ساختاری که عبارتند از: شوک تقاضای اسمی، شوک تقاضای واقعی، شوک عرضه و شوک های قیمت نفت بر اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت می پردازد. این کشورها شامل ایران، عربستان سعودی، کویت و اندونزی هستند. با بررسی شوک های مورد نظر برای کشورهای فوق به این نتیجه رسیده اند که منبع اصلی نوسانات خروجی در کشورهای عربستان و ایران، شوک های قیمت نفت است. ولی در کشورهای کویت و اندونزی، منبع اصلی نوسانات خروجی شوک های قیمت نفت نیست؛ همچنین نتایج نشانگر تجربه بسیار موفق کشورهای کویت و اندونزی در استفاده از صندوق پس انداز و اصلاحات ساختاری مناسب، به خصوص تنوع در تولید منابع غیر مبتنی بر انرژی می باشد.
۵. مهر آرا (۲۰۰۸)	این مقاله به بررسی رابطه غیرخطی یا نامتقارن بین درآمدهای نفتی و رشد تولید در کشورهای صادرکننده نفتی، با استفاده از یک چارچوب پائل پویا پرداخته است. نتایج اصلی در این مقاله نشان می دهد که کشورهای وابسته فاقد سازوکارهای نهادی در ارتباط با هزینه های مالی از درآمد فعلی نفت هستند؛ همچنین تأثیر شوک درآمد نفت بر رشد تولید در کشورهای صادرکننده نفت نامتقارن است. این یافته ها نشان می دهد که ایجاد یک شوک نفتی منفی منجر به رشد تولید منفی در کشورهای صادرکننده نفت می شود، درحالی که شوک نفتی مثبت نقش کم رنگی در رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت داشته است. یافته ها دارای پیامدهای سیاست عملی برای تصمیم گیرندگان در زمینه برنامه ریزی اقتصاد کلان است؛ به طوری که استفاده از ثبات درآمدهای نفتی، صندوق پس انداز و همچنین تنوع بخش واقعی برای به حداقل رساندن اثرات مضر رونق نفت و رکود بسیار مهم به نظر می رسد.



نویسنده (سال)	روش و نتایج
۶. آیزن من و گیک ^۳ (۲۰۰۸)	در مقاله خود با استفاده از آمارهای بانک جهانی به نتایج قابل توجهی در مورد سطح حکمرانی ملی و وجود یک صندوق ثروت ملی و همچنین عوامل مؤثر بر شفافیت عملکرد صندوق دست پیدا کرده‌اند. آنها بحث خود را با این سؤال آغاز می‌کنند که: «در مورد نقش حکمرانی ملی در ایجاد صندوق چه می‌توان گفت؟ کشورهای دارای حکمرانی قوی، تمایل به تأسیس صندوق دارند یا کشورهایی که دارای حکمرانی ضعیفی هستند؟» برای پاسخ به این سؤال، از شاخص‌های حکمرانی جهانی که توسط کافمن، کری و ماستروزی (KKM) ایجاد شده‌اند و ابعاد کلیدی حکمرانی هر کشور را در بردارد، استفاده کرده‌اند. آنها بر این حقیقت تأکید می‌نمایند که کشورهای در حال توسعه‌ای که سیستم حکمرانی بهتری دارند (به طور ویژه اگر تنها اثربخشی دولتی، کیفیت نظم و کنترل فساد را در نظر بگیریم) تمایل بیشتری به داشتن صندوق دارند.
۷. ال نشاسی و بردلی ^۴ (۲۰۱۲)	در این مقاله به طور تجربی به بررسی نقش قیمت نفت در تعیین سیاست‌های مالی در کشورهای صادرکننده نفت پرداخته شده است. نتایج نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که سیاست‌های مالی در کشورهای صادرکننده نفت، علاوه بر شوک‌های قیمت نفت، تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت نیز قرار می‌گیرند و این اثر به صورت نامتقارن می‌باشد؛ به طوری که یک میزان افزایش و کاهش در قیمت نفت، اثرات نامتقارنی بر سیاست‌های مالی در کشورهای صادرکننده نفت خواهد گذاشت.

در ایران نیز مطالعات متعددی در زمینه مدیریت درآمدهای نفتی انجام شده است که در ادامه (جدول ۲) به بررسی اهم این مطالعات پرداخته می‌شود.

جدول ۲. مروری بر مطالعات داخلی انجام شده در زمینه مدیریت درآمدهای نفتی

نویسنده (سال)	روش و نتایج
۱. خضری (۱۳۸۸)	این مقاله در بخش نخست به بررسی ماهیت و چیستی پدیده بیماری هلندی و نشانه‌های آن در اقتصاد ایران می‌پردازد. بخش دوم نیز راهبردهای ممکن در مدیریت درآمدهای نفتی را در دستور کار قرار می‌دهد. این مطالعه می‌افزاید، تشخیص ظهور و بروز بیماری هلندی در اقتصاد کار ساده‌ای نیست؛ با این حال، شاخص‌هایی همچون تقویت پول ملی و افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله، افزایش واردات، کاهش سهم ارزش افزوده بخش‌های صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی و جز اینها، از جمله مواردی هستند که اقتصاددانان به عنوان نشانه‌های بیماری هلندی در اقتصاد ذکر می‌کنند.
۲. مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹)	وابستگی کشورهای صادرکننده نفت به درآمد حاصل از فروش نفت و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی قیمت نفت نشان می‌دهد که در این کشورها بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد کلان در معرض شوک‌های بین‌المللی است. تراز بودجه دولت، تراز بازرگانی، سرمایه‌گذاری‌های بخش عمومی و نیز دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و پایه پولی از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که در معرض اثرپذیری از نوسانات بازار بین‌المللی نفت قرار دارند. بی‌ثباتی در اقتصاد کلان، یک عامل ضد رشد است. بررسی‌های موجود در این مقاله نشان می‌دهد که بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان موجب افت سرمایه‌گذاری، کاهش نرخ رشد اقتصادی، اقبال کمتر به آموزش، وخیم شدن توزیع درآمد و افزایش فقر می‌شود. با توجه به پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از درآمدهای نفتی به خصوص بی‌ثباتی اقتصاد کلان، برخی از کشورهای تولیدکننده نفت اقدام به تأسیس صندوق‌های نفتی نموده تا به تفکیک درآمدهای حاصل از فروش نفت از سایر درآمدهای دولت نظیر مالیات، عوارض و ... بپردازند و از این طریق، این درآمدها را از منابع تأمین بودجه دولت خارج یا آنها را محدود نموده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر مؤثر بودن صندوق‌ها در کاهش بی‌ثباتی اقتصاد کلان در کشورهای دارای صندوق است.



نویسنده (سال)	روش و نتایج
۳. شیرخانی و همکاران (۱۳۸۹)	منابع طبیعی فی نفسه نمی تواند نفرین تلقی شود؛ بلکه نحوه مدیریت درآمدهای حاصله است که با اهمیت می باشد. تأسیس حساب ذخیره ارزی در ایران با هدف کنترل نوسانات ناشی از تغییرات قیمت نفت بود اما عملکرد حساب ذخیره ارزی به مرور از اهداف خود دور شد. در مقابل، کشور نروژ به عنوان الگویی موفق از چنین مکانیسمی شناخته می شود. این مقاله، مدیریت ذخیره ارزی در ایران و نروژ را به روش مقایسه ای بر اساس سه شاخص مکانیسم، شفافیت و عملکرد مورد بررسی قرار داده تا نشان دهد که اثر درآمدهای حاصل از منابع اولیه مانند نفت بر اقتصاد ملی به نحوه مدیریت درآمدها بستگی دارد.
۴. کریمی فرد (۱۳۹۰)	کشورهای در حال توسعه دارای منابع طبیعی برای جلوگیری از پدیده نفرین منابع تاکنون سیاست هایی همچون خصوصی سازی، تنوع بخشیدن به صادرات، توزیع مستقیم درآمدهای نفتی و صندوق درآمدهای ملی را به کار گرفته اند. در ایران نیز در این راستا، حساب ذخیره ارزی از سال ۱۳۷۹ برای مدیریت درآمدها در دوران رونق و رکود نفتی ایجاد شد؛ اما زمانی عملکرد این نهادها با موفقیت همراه است که با کاهش نقش دولت، شبکه های از روابط میان دولت، نهادهای اجتماعی و صنعت شکل گیرد. در سطح خرد نیز بر عواملی همچون شفافیت، پاسخگویی، معیارهای شفاف و واضح برای پس انداز و خرج کردن، حسابرسی دقیق و ارائه گزارش های منظم و... تأکید شده است.
۵. مهرآرا و همکاران (۱۳۹۰)	مهرآرا و همکاران (۱۳۹۰) عقیده دارند، بر اساس فرضیه نفرین منابع، درآمدهای حاصل از نفت به عنوان یکی از منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت تأثیر منفی خواهند گذاشت، این مقاله به بررسی رابطه کوتاه مدت میان تکرانه های مثبت نفتی و رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، مبتنی بر متدولوژی اقتصادسنجی پانل پویا برای دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۵ می پردازد. فرضیه اصلی تحقیق این است که افزایش ملایم در درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت مفید است، اما اگر افزایش درآمدهای نفتی از یک حد آستانه ای بگذرد، آنگاه اثرات منفی خود را بر رشد اقتصادی این کشورها ظاهر خواهد ساخت. نتایج این مطالعه در نهایت، فرضیه فوق را تأیید می نماید و آشکار می سازد که حد آستانه مورد نظر، حدود ۲۱-۱۷ درصد است.
۶. موسوی آزاد کسمایی (۱۳۹۱)	حساب ذخیره ارزی، نه تنها در دستیابی به اهداف خود موفقیت چندانی نداشته، بلکه از بعد شاخص شفافیت نیز در مقایسه با سایر صندوق ها، از شفافیت کمتری برخوردار بوده است. با توجه به تغییر سازوکار به کارگیری درآمدهای نفت و ایجاد صندوق توسعه ملی، می توان انتظار داشت کارایی استفاده از منابع نفتی در اقتصاد ایران افزایش یابد.
۷. شفیعی و مرعشی (۱۳۹۱)	یکی از الزامات بنیادین برنامه پنجم توسعه، تغییر نگاه به منابع و درآمدهای نفت و گاز و مدیریت درآمدهای حاصل از آن در سطح برنامه ریزی کلان اقتصادی عنوان شده است. مصداق بارز این تغییر، «تشکیل صندوق توسعه ملی» است. در این مقاله، به بررسی چالش های پیش روی صندوق در سه بخش استقلال از دولت، شفافیت و سرمایه گذاری منابع پرداخته شده است. نتایج نشان می دهد که صندوق توسعه ملی تنها تحت شرایط خاصی می تواند در نیل به اهداف خود موفق باشد و در برخی شرایط، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه می تواند باعث بروز مشکلات در بخش مالی اقتصاد ایران شود. به منظور کارکرد بهینه این صندوق، ابتدا باید هدف از ایجاد آن به طور کامل مشخص گردد و به هیچ عنوان حق استفاده فراقانونی از اعتبار آن داده نشود. چنانچه صندوق پیشنهادی از استحکام نهادی و شفافیت لازم برخوردار نباشد و تصمیم گیری در مورد منابع آن به سهولت در اختیار دولت قرار گیرد، فقدان آن از وجود آن بهتر خواهد بود؛ زیرا در جایی که تخصیص بخشی از درآمد ارزی کشور در فرایند تنظیم برنامه های پنج ساله و بودجه های سالانه از فیلترهای مختلف عبور می کند و در نهایت به تصویب نمایندگان مردم می رسد، اینکه بخش قابل توجه دیگری از این منابع با سهولت بیشتر هزینه شود، نقض غرض خواهد بود. همچنین باید اطلاعات صندوق به طور شفاف در اختیار عموم مردم و کارشناسان قرار گیرد و بخشی از منابع صندوق برای سرمایه گذاری در راستای جبران افت تولید نفت کشور به کار گرفته شود.



نویسنده (سال)	روش و نتایج
۸. بهبودی و همکاران (۱۳۹۱ب))	در این مطالعه، اثرگذاری حالت‌های مختلف گردش وجوه نفت بر اجزای تولید ناخالص داخلی بررسی شده است؛ بدین منظور با استفاده از الگوی تعادل عمومی محاسبه‌پذیر دو رویکرد «صندوق توسعه ملی» و «توزیع مستقیم درآمدهای نفتی» تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصل از حل پویای مدل انتخاب‌شده، نشان می‌دهد رویکرد صندوق توسعه ملی در بلندمدت کارکرد مناسب‌تری نسبت به رویکرد توزیع مستقیم دارد. با این توضیح که رویکرد توزیع مستقیم برای تأمین هدف کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت، کارکرد بهتری از صندوق توسعه ملی دارد.
۹. سیف و حافظیه (۱۳۹۲)	نتایج حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق به کارگیری رویکرد اقتصاد مقاومتی در تعامل تجاری با جهان، ضمن پیشبرد آرمان‌ها و اهداف، با تهدیدات موجود، از جمله تحریم نیز به خوبی مقابله نماید.

در تمامی مطالعات انجام‌شده، جدای از انضباط مالی و بودجه‌ای دولت، استفاده و مدیریت بهینه نهاد ذخیره مازاد در آمد نفت (صندوق توسعه ملی) راهی برای مدیریت بهینه درآمدهای نفتی در نظر گرفته شده است، به غیر از مطالعه کریمی‌فر (۱۳۹۰) که بیان می‌کند زمانی عملکرد صندوق با موفقیت همراه است که با کاهش نقش دولت، شبکه‌ای از روابط میان دولت، نهادهای اجتماعی و صنعت شکل گیرد. در سطح خرد نیز عواملی همچون شفافیت، پاسخگویی، حساسی دقیق و... حاصل آید. از طرفی شریفی و مرعشی (۱۳۹۱) بیان می‌کنند که صندوق توسعه ملی تنها تحت شرایط خاصی می‌تواند در نیل به اهداف خود موفق باشد و در برخی شرایط نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه می‌تواند باعث بروز مشکلات در بخش مالی اقتصاد ایران شود. اجماً این‌که در این مطالعات، توصیه‌هایی مطرح‌شده که عبارتند از: وضع قوانین مالی کارآمد، تأسیس صندوق‌های منابع طبیعی یا صندوق ثروت مستقل، حداقل سازی ارتباط میان نوسانات درآمد نفت و اقتصاد ملی و ...^۱ (Bauer, 2013).

۳- آسیب‌شناسی مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران (تبیین وضع موجود)
تجربه صد ساله اخیر ایران نشان می‌دهد، منابع نفتی موجب افزایش وابستگی دولت به ثروت‌های طبیعی و بزرگ شدن حجم دولت، اهمال در اخذ مالیات، عدم شفافیت عملکرد دولت و پاسخگو نبودن آن، اشاعه فرهنگ رانت و تبعیض، ایجاد شکاف طبقاتی و در مقطعی مصداق نفرین منابع شده است. این روند به خصوص پس از افزایش ناگهانی قیمت جهانی در دهه ۱۹۷۰ شتاب بیشتری به خود گرفت. در حقیقت، از آنجا که درآمدهای حاصل از فروش نفت پس از شوک اول نفتی در ۱۹۷۳ در کشورهای نفت‌خیز مشکلات اقتصادی فراوانی را به دنبال آورد، این ایده قوت گرفت که درآمدهای



عظیم حاصل از نفت، می تواند نتایج نامطلوبی برای توسعه کشورهای صادرکننده آن در پی داشته باشد. با توجه به مقدمه فوق، در این بخش در نظر است مدیریت هزینه کرد درآمدهای نفتی در کشور در دو بخش مجزا (الف- مصرف در قالب سازوکار بودجه سنواتی ب- استفاده از درآمدهای مازاد بر بودجه) بررسی شود تا با تحلیل این دو به استخراج وضع موجود اقتصاد ایران در مدیریت درآمدهای نفتی پرداخته شود.

۳-۱- مدیریت هزینه کرد درآمدها در قالب سازوکار بودجه سنواتی

بررسی ساختار اقتصاد ایران بعد از انقلاب اسلامی، بیانگر این واقعیت است که درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز از اقلام عمده تشکیل دهنده درآمدهای دولت بوده است؛ به طوری که طی برنامه‌های توسعه اول (۷۲-۱۳۶۸)، دوم (۷۸-۱۳۷۴)، سوم (۸۳-۱۳۷۹) و چهارم (۸۸-۱۳۸۴) سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت به ترتیب در حدود ۵۶/۷ درصد، ۵۷/۲ درصد، ۵۹/۴ درصد و ۴۱/۲ درصد بوده است.^۱ از یک سو، اتکای بیش از حد به درآمدهای پرنوسان و برونزای نفتی، بی‌ثباتی کل درآمدهای دولت را طی دهه‌های گذشته به همراه داشته است و از سوی دیگر، نگاهی به عملکرد اقتصاد ایران نشان می‌دهد که درآمدهای حاصل از نفت و تزریق آن به اقتصاد ملی از طریق سیاست مالی دولت‌های مختلف از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری دولت و بازار به شکل کنونی بوده است؛ لذا تغییر وظایف و فعالیت‌های موجود دولت و زمینه‌سازی ایفای نقش اقتصادی قابل توجه بخش خصوصی در کشور مستلزم اصلاح وضعیت موجود مبتنی بر اصلاح نگرش‌های پایه در خصوص نقش دولت و جایگاه بخش خصوصی و عملیاتی کردن آن است (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۱).

درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر متغیرهای کلان اقتصادی محسوب می‌شوند. درآمدهای حاصل از نفت به عنوان بخشی از صادرات، بر مقدار تولید ناخالص داخلی اثر مستقیم دارد؛ به همین دلیل در سال‌هایی که اقتصاد با افزایش (کاهش) قیمت نفت و در نتیجه افزایش (کاهش) برونزای درآمدهای نفتی مواجه شده است، تولید ناخالص داخلی نیز افزایش (کاهش) یافته است. نسبت ارزش افزوده بخش نفت به تولید ناخالص داخلی، یکی از شاخص‌هایی است که می‌تواند اهمیت بخش نفت را در اقتصاد ایران نمایان کند. هر چند این شاخص با نوساناتی همراه بوده، متوسط آن طی سه دهه اخیر حدوداً ۱۶-۱۵ درصد بوده است که اهمیت و بزرگی این بخش را در اقتصاد ایران نشان می‌دهد.

۱. شایان ذکر است که در اکثر سال‌های دهه ۸۰ به‌ویژه در سال‌های برنامه چهارم توسعه، به موجب تکالیف قوانین بودجه سنواتی و اصلاحات آن، مبالغ زیادی از حساب ذخیره ارزی برداشت و به بودجه دولت تزریق شده است؛ و لیکن این مبالغ در گزارش‌های عملکرد بودجه، برداشت از درآمدهای نفتی تلقی نشده است. در این شرایط، عملاً وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت، نه تنها کم نشده بلکه افزایش نیز یافته است.



شاید بتوان در یک نگاه کلی، دو ویژگی بارز اقتصاد ایران را اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی و اندازه بسیار زیاد دولت دانست؛ به عبارت دیگر ابتدا اینکه دولت بخش قابل توجهی از اهداف و برنامه‌های خود را صرفاً با توجه به درآمدهای نفتی انجام می‌دهد و در نتیجه نوسانات درآمد نفتی بر عملکرد و سیاست‌های دولت مؤثر هستند. ویژگی دیگر اینکه اصولاً حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد در مقایسه با بخش خصوصی بسیار قابل توجه است و عملاً نحوه عملکرد و فعالیت دولت خود رقم‌زننده بسیاری از فرآیندهای اقتصادی است و بخش خصوصی در واقع پیرو فعالیت‌های دولت و وابسته به رویکردهای دولت است.

این وضعیت، جدای از تبعات مختلف اقتصادی باعث شده است که همه‌ساله تأمین مخارج دولت به یکی از مهم‌ترین چالش‌ها تبدیل گردد و تجربه نشان داده تقریباً در همه سال‌ها، چه سال‌هایی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابند (و دولت ناگزیر به استقرار از بانک مرکزی می‌گردد) و چه سال‌هایی که درآمدهای نفتی در افزایش می‌باشند (و بانک مرکزی ناگزیر به تأمین هزینه‌های ریالی دولت از محل خرید ارز می‌گردد)، تأمین مالی (کسری بودجه) دولت به افزایش نقدینگی منجر گردد. به عبارت دیگر، طی سال‌های اخیر عملاً تأمین مخارج دولت در ایران با روند فزاینده نقدینگی قرین شده است که این موضوع نیز به افزایش قیمت‌ها منجر شده و مشکلاتی را به همراه داشته است. متعاقباً اینکه تورم ساختاری موجود در اقتصاد نیز در کنار سیاست غیرمنطقی ثبات نرخ ارز (طی سال‌های اخیر) باعث شده است که قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله به نفع کالاهای قابل مبادله (واردات) و به زیان کالاهای غیرقابل مبادله (عمدتاً تولیدات داخلی) تغییر یابد.

چنانچه از منظر مالی عمومی نیز به این موضوع نگریسته شود، مشاهده می‌گردد که سهم بالای صادرات نفت و سهم اندک صادرات غیر نفتی در کل صادرات کشور از یکسو و ناکارآمدی در تأمین درآمدهای مالیاتی و سایر منابع درآمدی از سوی دیگر سبب گردیده که به رغم اتخاذ برخی تدابیر مبنی بر عدم استفاده از این درآمدها در هزینه‌های جاری و اختصاص آن به هزینه‌های عمرانی، وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی افزایش یابد. آثار این وابستگی در زمان کاهش قیمت نفت، در کسری بودجه تجلی می‌یابد که در اغلب موارد به دلیل تأمین مالی از طریق نظام بانکی، بر پایه پولی و تورم اثر می‌گذارد.^۱ در عین حال، افزایش درآمدهای نفتی نیز از طریق افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی موجب رشد پایه پولی و افزایش تورم می‌گردد (موسوی آزاد کسمایی، ۱۳۹۱).

۱. استورم و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود به محاسبه میزان کشش‌پذیری (حساسیت) بودجه کشورهای نفتی نسبت به افزایش عواید ناشی از فروش نفت پرداخته‌اند. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که بالاترین کشش‌های مخارج کل نسبت به تغییرات درآمدی از ابتدای سال ۲۰۰۳ برای دو کشور ایران و ونزوئلا بوده است؛ البته کشورهای الجزایر، عربستان سعودی و لیبی نیز بالاترین کشش مخارج سرمایه‌ای را داشته‌اند.

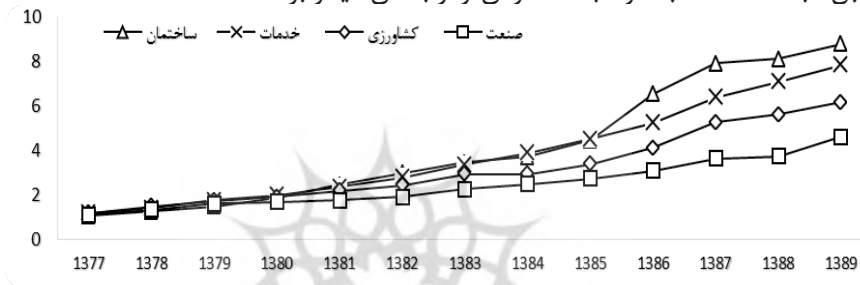


در چنین شرایطی، وابستگی به درآمدهای نفتی در بودجه دولت در اقتصاد ایران منجر به سلطه مالی و تضعیف نقش بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و تولید شده است و از این بابت اقتصاد ملی متکی به درآمد نفت، با آسیب‌پذیری‌های جدی و عمیقی نسبت به درآمدهای نفتی مواجه شده است. مهم‌تر آنکه نوسان مستمر و گاهی شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی، رفتارهای مالی بی‌ثبات و غیرمبتقارنی را در اقتصاد کشور شکل داده است. این رفتارها ناشی از آن است که در شرایط افزایش قیمت نفت، انبساط مالی به صورت سیاستی و گاه خودبه‌خودی محقق می‌شود، در حالی که در شرایط افت قیمت نفت، نه تنها انقباض مالی متناسب محقق نمی‌شود، بلکه این امر نامطلوب تلقی و به این دلیل فشار بر بازارهای مالی و بخش خصوصی مضاعف می‌شود؛ همچنین تزریق درآمدهای حاصل از فروش نفت و تبدیل آن به پول ملی، موجب افزایش حجم نقدینگی و افزایش تقاضا برای کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله شده است. مازاد تقاضای ایجادشده به واسطه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز به اقتصاد (آن هم با نرخ مدیریت شده)، در مورد کالاهای قابل مبادله از طریق افزایش واردات جبران می‌شود اما مازاد تقاضای کالاهای غیرقابل مبادله چون مسکن، موجب افزایش قیمت این کالاها می‌شود. با افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله نسبت به کالاهای قابل مبادله، حاشیه سود کالاهای قابل مبادله کاهش یافته و موجب بروز رکود و کاهش سهم این بخش در تولید ملی می‌شود. این امر موجب گسترش بخش غیرقابل مبادله (مانند مسکن و خدمات) می‌شود.

از سوی دیگر، تجربه نشان داده است که افزایش قیمت و درآمدهای نفتی باعث تقویت ارزش پول داخلی کشورهای نفتی شده و در واقع نرخ ارز کاهش یافته یا به صورت نسبی تثبیت می‌گردد اما با توجه به اینکه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از افزایش قیمت نفت به اقتصاد کشور، باعث افزایش تورم در جامعه می‌شود، این افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در داخل اثر مستقیم بر نرخ ارز حقیقی می‌گذارد و در مجموع، کاهش نرخ ارز اسمی و افزایش تورم داخلی به دلیل افزایش درآمدهای نفتی موجب تغییر نرخ ارز حقیقی می‌گردد، ولی میزان و مسیر این نوسان بستگی به مقدار تغییرات عوامل مذکور دارد. این امر در ایران باعث شده که در طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ که نوعی سیاست نرخ ارز شناور (شدیدا) مدیریت شده در کشور برقرار بود، یک ناترازی^۱ (عدم تعادل) مزمین در نرخ ارز مشاهده گردد. برخی مطالعات حکایت از آن دارند که میزان انحراف نرخ ارز از مقدار تعادلی آن در سال ۱۳۹۰ (قبل از بحران ارزی) بالغ بر ۹۵ درصد (در قالب اضافه ارزش پول ملی) بوده است.



عدم تعادل موجود در نرخ ارز (اضافه ارزش پول ملی) دو اثر مستقیم در سطح کلان به جای می‌گذارد. ابتدا اینکه در کنار تورم موجود در اقتصاد باعث ایجاد اختلال در قیمت‌های نسبی اقتصاد (قیمت کالاهای قابل مبادله به غیر قابل مبادله) می‌گردد. این موضوع در قالب نمودار ۱ به تصویر کشیده شده است. در این نمودار، شاخص تعدیل‌کننده GDP به صورت نرمال شده برای سال ۱۳۷۷ برای چهار زیر بخش اقتصاد شامل ساختمان و خدمات (به عنوان نماد بخش غیر قابل مبادله اقتصاد) و کشاورزی و صنعت (به عنوان نماد بخش قابل مبادله اقتصاد) در کنار هم ترسیم شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، به مرور زمان افزایش شاخص قیمت‌ها در بخش غیر قابل مبادله اقتصاد به مراتب محسوس‌تر از بخش دیگر بوده است.



نمودار ۱. نوسانات شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله و غیر قابل مبادله در اقتصاد ایران
منبع: بانک مرکزی ج.ا. ایران

نکته دیگر در ارتباط با عدم تعادل در نرخ ارز (اضافه ارزش پول ملی) اثر آن بر تراز تجاری است، به‌ویژه از محل ارزان نمودن واردات که باعث افزایش شدید تقاضا برای واردات می‌گردد. در این رابطه صادرات به دلیل پاره‌ای محدودیت‌های ساختاری و کشش‌پذیری پایین عرضه آن (به نسبت واردات) کمتر از عدم تعادل‌های ارزی متأثر می‌گردد.

۳-۲- مدیریت مازاد درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور

هنگامی که صحبت از مازاد درآمدهای نفتی (نسبت به بودجه سنواتی) به میان می‌آید، ضرورت جداسازی این بخش از درآمدها از اقتصاد ملی در قالب تدارک نهادهای ذی‌ربط به ذهن متبادر می‌گردد. این موضوع در اقتصاد جهانی، بالغ بر سه دهه سابقه دارد؛ بدین نحو که کشورها تلاش نموده‌اند مازاد درآمدهای ارزی خود را به صورت مجزا و در قالب صندوق‌هایی که بدین منظور تدارک دیده‌شده مدیریت نمایند. صندوق‌های ارزی یا نفتی در کشورهای مختلف به عنوان یکی از روش‌های



مدیریت منابع ثروت‌های ملی تأسیس گردیده‌اند. این صندوق‌ها بر اساس اهدافشان به پنج دسته تقسیم می‌شوند: صندوق‌های باثبات‌سازی، صندوق‌های پس‌انداز برای نسل‌های آینده، مؤسسات سرمایه‌گذاری ذخایر ارزی، صندوق توسعه ملی و صندوق ارزی مرتبط با تأمین اجتماعی. در کشورهای توسعه‌یافته، صندوق‌های ثروت حکومتی^۱ معمولاً صندوق‌های تأمین اجتماعی هستند، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر صندوق‌های ارزی هستند.

صندوق نروژ را می‌توان از جمله صندوق‌های موفق در این رابطه برشمرد. این موفقیت تحت تأثیر عواملی نظیر پایه‌های اقتصاد ملی، جمعیت کم، شفافیت مدیریت صندوق و عدم محدودیت برای نظارت عمومی دانست. به عبارتی، آنچه مکانیسم صندوق نفتی نروژ را از سایر صندوق‌های ذخیره‌ای نفتی متمایز می‌کند، این است که نخست، درآمد نفتی بخش ناچیزی از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. دوم، مدیریت این صندوق کاملاً شفاف است. سوم اینکه هیچ‌گونه محدودیتی برای نظارت عمومی در ارزیابی عملکرد و محاسبات درآمدی این صندوق در ساختار دولتی این کشور وجود ندارد؛ بنابراین اعتماد و اطمینان عموم جامعه نسبت به این صندوق بسیار بالاست. در تجربه کشورهای مختلف در این زمینه استفاده از یکی از انواع این صندوق‌ها یا تلفیقی از آنها به چشم می‌خورد. از میان کشورهایایی که اقدام به اجرای چنین سیاست‌هایی نموده‌اند و بیش از ده سال در این زمینه سابقه دارند، نروژ، کویت، آلاسکا، آلبرتا و نروژ جزو تجربیات موفق و عمان و گینه‌نو جزو تجربیات ناموفق محسوب می‌شوند.^۲ گفتنی است در ارتباط با مدیریت این صندوق‌ها، در عرصه جهانی، یک کارگروه بین‌المللی^۳ تشکیل و به وسیله آن کشورهای دارنده این صندوق‌ها تلاش نموده‌اند با استفاده از تجربیات یکدیگر به رویکرد واحدی در مدیریت بهینه منابع مالی این صندوق‌ها برسند که فرصت مناسبی برای کشورهایایی نظیر ایران نیز می‌باشد. این کارگروه در قالب نشست‌های خود اصول ۲۴ گانه‌ای را برای مدیریت این صندوق‌ها تحت عنوان اصول سانتیاگو به تصویب رسانده است.^۴ می‌توان مهم‌ترین توصیه‌های مطرح‌شده در قالب اصول ۲۴ گانه فوق را به شرح زیر خلاصه نمود:

1. Sovereign Wealth Fund (SWF)

۲. موسوی آزاد کسمایی (۱۳۹۱) و منظور و یادی پور (۱۳۸۸). برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

www.apfc.org Alaska permanent fund cooperation.

www.bcv.org.ve /IMF Venezuelan Fund for Macroeconomic Stabilization.

www.finance.gov.ab.ca Alberta Heritage saving trust fund.

www.kia.kw Kuwait investment authority (KIA).

www.kuwait-info.com & en.wikipedia.org.

3. International Working Group of Sovereign Wealth Funds (IWG)

4. Generally Accepted Principles and Practices (GAPP)—Santiago Principles



- الزام به اتخاذ سیاست سرمایه‌گذاری صریح و سازگار با اهداف تعریف‌شده، تعیین محدوده ریسک و راهبرد شفافیت در سرمایه‌گذاری‌ها؛
- الزام به اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری مبتنی بر حداکثرسازی بازدهی مالی تعدیل‌شده با ریسک؛
- ممنوعیت در بهره‌مندی از اطلاعات خاص صندوق، همچنین ممانعت از تأثیرگذاری نامطلوب دولت در رقابت با بخش خصوصی؛
- الزام به داشتن چارچوبی برای ارزیابی عملکرد صندوق با معرفی ابزارهای مدیریت ریسک و نگرش مبتنی بر آن و اطلاع‌رسانی عمومی از نتایج آن؛

- الزام به اندازه‌گیری و محاسبه ارزش دارایی‌ها و عملکرد صندوق در سرمایه‌گذاری‌ها و گزارش به صاحبان سهام مطابق با اصول و استانداردهای تعریف‌شده.

در ادامه تلاش می‌گردد عملکرد ایران در زمینه مازاد درآمدهای نفتی مورد اشاره قرار گیرد. در اقتصاد ایران پس از طرح موضوع حساب تعهدات ارزی در سال ۱۳۷۲ که هیچ‌گاه عملی نشد، برای اولین بار به صورت جدی بر پایه ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه در جهت ایجاد ثبات در میزان درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از صدور نفت خام در برنامه سوم توسعه و تبدیل دارایی حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه‌گذاری و امکان تحقق دقیق فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده در برنامه، دولت مکلف شد با ایجاد «حساب ذخیره ارزی حاصل از درآمد نفت خام» و «حساب ذخیره ریالی» اقدامات زیر را به عمل آورد. در این رابطه اهم اهدافی که با افتتاح حساب ذخیره ارزی مدنظر سیاستگذاران قرار گرفت عبارت بودند از:

۱. کاهش نوسانات شدید در بودجه دولت؛
۲. جلوگیری از گسترش بی‌رویه بودجه در شرایط بهبود درآمدهای نفتی که به بزرگ‌تر شدن دولت منجر می‌شود؛
۳. کاهش وابستگی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت؛
۴. تقویت امکان بهره‌مندی بخش غیردولتی از درآمدهای مازاد حاصل از صادرات

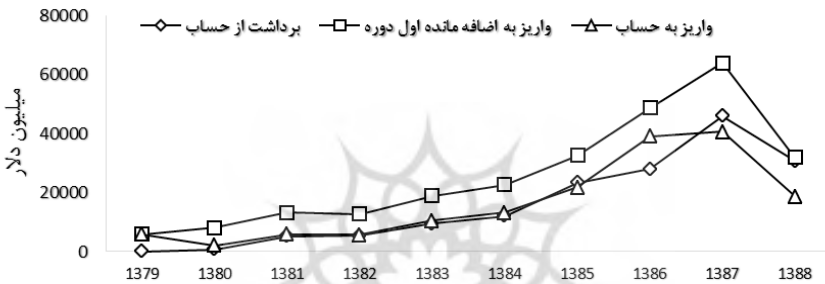
نفت (گودرزی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۶۴)

حساب ذخیره ارزی از دو جزء «واریزی به حساب» و «برداشت از حساب» تشکیل شده است. مازاد درآمد نفت، سود متعلق به موجودی حساب و باز دریافت اعتبارات ارزی داخلی، ترکیب واریزی به حساب را تشکیل می‌دهند و برداشت از حساب نیز شامل دو قسمت اصلی برداشتهای دولتی و برداشت جهت اعطای تسهیلات می‌باشد.



البته در سال‌های بعد، ترکیب حساب ذخیره ارزی تغییر کرد، به گونه‌ای که موجودی حساب علاوه بر دلار، بر حسب یورو و ین ژاپن نیز نگهداری شد.

نمودار ۲ روند واریز و برداشت از حساب ذخیره ارزی را طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۸ نشان می‌دهد. واریزی به حساب طی دوره مذکور تقریباً از یک روند افزایشی برخوردار بوده و برداشت از حساب نیز همسو با آن حرکت کرده است. بالاترین میزان واریز و برداشت از حساب مربوط به سال ۱۳۸۷ و به ترتیب معادل ۴۰۷۰۹ میلیون دلار و ۴۵۹۲۴ میلیون دلار بوده است (موسوی آزاد کسمایی، ۱۳۹۱).



نمودار ۲. روند واریز و برداشت از حساب ذخیره ارزی در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۸
منبع: بر اساس داده‌های معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸

ارقام عملکردی این حساب نشان می‌دهد که حساب ذخیره ارزی نه تنها در دستیابی به اهداف اشاره شده موفقیت چندانی نداشته، بلکه از بعد شاخص شفافیت نیز در مقایسه با سایر صندوق‌ها، از شفافیت کمتری برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان تأسیس این حساب را یک تجربه شکست خورده در اقتصاد ایران به حساب آورد. برای مدیریت این موضوع بر اساس سیاست‌های کلان در برنامه پنجم ضمن حفظ حساب ذخیره ارزی مقرر شد که صندوق توسعه ملی ایجاد و حداقل ۲۰ درصد درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز به آن واریز شود. با توجه به تخصیص کامل منابع این صندوق به بخش غیردولتی، ایجاد صندوق توسعه ملی، گام مثبتی در جهت بهبود استفاده از درآمدهای نفتی در مقایسه با حساب ذخیره ارزی به نظر می‌رسد و تا حدودی می‌تواند مشکلات حساب ذخیره ارزی را مرتفع نماید. صندوق توسعه ملی برخلاف حساب و ذخیره ارزی، دارای هیئت امنا، هیئت عامل و هیئت نظارت می‌باشد که نحوه ترکیب، وظایف و اختیارات هر یک در ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه، تعیین شده است.



۳-۳- استخراج وضع موجود مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران

در این قسمت بر اساس مطالب بیان شده در قسمت ۳-۱ و ۳-۲ و نیز مطالعات کتابخانه‌ای به آسیب‌شناسی و جمع‌بندی وضع موجود مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران در قالب مبانی نظری تحلیل SWOT^۱ خواهیم پرداخت. نتایج در قالب جدول ۳ آورده شده است. در ستون سوم این جدول، تمایز میان ویژگی‌های وضع موجود از حیث قوت، فرصت، ضعف و تهدید مشخص شده‌اند تا در استخراج استراتژی‌ها به کار گرفته شوند.

جدول ۳. آسیب‌شناسی وضع موجود مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران^۲

ردیف	وضع موجود	S.W.O.T	منبع
۱	سهم عمده نفت از درآمدهای ارزی	W	نوبخت (۱۳۸۸)
۲	تأثیر قابل توجه نوسانات درآمدهای نفتی بر سیاست‌های پولی و مالی	W	نوبخت (۱۳۸۸)
۳	عدم شفافیت در عملکرد دولت	W	نوبخت (۱۳۸۸)
۴	افزایش مستمر نقدینگی (عمدتاً ناشی از افزایش پایه پولی تا ضریب تکاثری)	W	توکلیان (۱۳۹۰)، زمان‌زاده (۱۳۹۰) و همتی (۱۳۹۱)
۵	نظام تأمین مالی بانک‌محور در کنار عدم استقلال بانک مرکزی و (تا حدودی) سیستم بانکی	W	مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹)
۶	وجود سلطه مالی دولت در اقتصاد ایران	W	مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹) توکلیان (۱۳۹۰)، مظاهری (۱۳۹۱) آل اسحاق (۱۳۹۱) و میرمطهری (۱۳۹۱)
۷	افزایش مستمر خالص بدهی دولت به بانک مرکزی	W	زمان‌زاده (۱۳۹۱)
۸	افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	W	زمان‌زاده (۱۳۹۱)
۹	ماهیت مالی و بودجه‌ای بدهی‌های دولت به بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت)	W	زمان‌زاده (۱۳۹۱)

۱. ماتریس تحلیل SWOT از چهار قسمت اساسی قوت (S)، ضعف (W)، تهدید (T) و فرصت (O) تشکیل شده است.
 ۲. همانگونه که پیش از این مطرح شد، بخش قابل توجهی از آنچه تحت عنوان ویژگی‌های وضع موجود در جدول ۳ آورده شده است، از سایر بررسی‌ها و مطالعات انجام شده استخراج گردیده که به‌منظور جلوگیری از حجیم شدن مقاله از گزارش آنها در بخش ۳ مقاله پرهیز شده است.



ردیف	وضع موجود	S.W.O.T	منبع
۱۰	ماهیت مالی و بودجه‌ای جریان فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت)	W	زمان زاده (۱۳۹۱)
۱۱	نقش اساسی دولت در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (ناشی از فشار دولت به سیستم بانکی در راستای اعطای تسهیلات)	T	زمان زاده (۱۳۹۱)
۱۲	عدم تعادل ادواری و مزمین در بازار ارز	T	زمان زاده (۱۳۹۱)
۱۳	افزایش تقاضا برای واردات (رسمی و غیر رسمی)	T	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۱۴	اشاعه فرهنگ رانت و تبعیض	T	شیرخانی و همکاران (۱۳۸۹)
۱۵	عدم تعهد حاکمیت (دولت) به الزامات قانونی در مدیریت مازاد درآمدهای نفتی	T	شیرخانی و همکاران (۱۳۸۹)
۱۶	بزرگ شدن اندازه و حجم دولت در اقتصاد	T	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۱۷	اختلال در قیمت‌های نسبی اقتصاد	T	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۱۸	سهم بالای دولت در افزایش صادرات غیر نفتی طی سال‌های اخیر	T	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۱۹	تأسیس صندوق توسعه ملی	O	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۲۰	افزایش قابل توجه جریان صادرات غیر نفتی طی سال‌های اخیر	S	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)

۴- تبیین وضع مطلوب

نوسانات ایجاد شده در درآمدهای نفتی که بر اثر شوک‌های وارد شده بر بازار ایجاد می‌شود، از سال‌ها پیش و پس از شوک‌های نفتی در دهه ۱۹۷۰ کشورها را به طراحی راه‌های گوناگونی جهت مدیریت درآمدهای نفتی واداشت. پایه همه این سیاست‌ها ایجاد فضایی برای ذخیره درآمدهای نفتی بوده است تا به این وسیله درآمدها در دوران افزایش، برای زمانی که این درآمدها کاهش می‌یابد یا به اتمام برسد، نگهداری شوند. یکی دیگر از پایه‌های شکل‌گیری این سیاست‌ها، موضوع عدالت بین نسلی است. این موضوع به معنای نگهداری ارزش درآمدهای ناشی از منابع تجدیدناپذیر برای



نسل‌های آینده و زمانی است که این منابع به پایان رسیده است. بر این اساس، عمدتاً صندوق‌هایی که با این رویکرد شکل گرفته‌اند، دو هدف اساسی تثبیت درآمدهای نفتی و پس‌انداز برای آیندگان را بر عهده دارند که با نام‌های صندوق: تثبیت^۱، پس‌انداز^۲ و مجازی^۳ طبقه‌بندی شده‌اند.

از مسائل مهم در رابطه با مصرف وجوه این صندوق‌ها، طراحی یک استراتژی سرمایه‌گذاری مناسب و همسو با سیاست‌های کلی اقتصادی هر کشور است. مدیریت این نهاد باید دارای یک شخصیت حقوقی مستقل باشد که به‌دور از صلاح‌دیدهای سیاسی بتواند تصمیم‌گیری نماید. به‌علاوه ضروری است، ابزار لازم برای نظارت صحیح از طریق ایجاد شفافیت و کانال‌های نظارتی نیز ایجاد گردد؛ چرا که به نظر می‌رسد صندوق‌های نفتی (یا نهادهای مشابه) می‌توانند انتقال تکانه‌های قیمتی نفت به سیاست پولی و در نهایت قیمت‌ها و نرخ ارز را کم کنند؛ زیرا زمانی که هنگام افزایش یا کاهش قیمت نفت، صندوق‌های اجازه نوسانات مالی شدید را ندهند و در نتیجه انضباط سیاست مالی را به همراه آورند، مسئولیت کمتری بر دوش سیاست پولی است.

در ایران نیز می‌توان از قابلیت‌های صندوق‌های نفتی، به‌ویژه با توجه به تجربه شکست خورده حساب ذخیره ارزی، بهره جست. در این رابطه، با توجه به نقش تشبیتی این صندوق‌ها در ایجاد ثبات کلان اقتصادی و تأمین منابع مالی لازم برای تأمین طرح‌های سرمایه‌گذاری، می‌توان نکات زیر را به عنوان راهکارهای پیشنهادی برای بهبود عملکرد صندوق توسعه ملی (تصریح‌شده در قانون برنامه پنجم توسعه) به منظور دستیابی به هدف کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی پیشنهاد نمود:

۱. این نهاد برای کاهش اثرات تغییر در قیمت‌ها و کاهش درآمدها ایجاد می‌شود. هدف اصلی این نهاد می‌تواند حمایت از سیاست‌های مالی در زمان کاهش درآمدها یا ایجاد شفافیت بیشتر در چگونگی خرج درآمدهای دولت باشد. در این چارچوب، صندوق دارای ساختاری مشروط است؛ به این صورت که در ابتدا شاخصی برای قیمت‌ها یا میزان درآمدهای حاصل از نفت یا منابع دیگر مشخص می‌گردد و زمانی که درآمدها نسبت به میزان تعیین شده افزایش یابد، مازاد درآمدها به صندوق واریز شده و زمانی که درآمدها نسبت به میزان تعیین شده کاهش یابد یا حالت اضطراری که از قبل تعیین شده ایجاد شود، منابع تجمیع شده، به نحوی که قبلاً تعیین شده است، از طریق بودجه دولت یا موارد مشابه، به اقتصاد تزریق می‌گردد.

۲. این نوع صندوق‌ها با هدف ایجاد نوعی ثروت برای نسل‌های آینده ایجاد می‌شوند؛ به این ترتیب که ثروتی که در اختیار نسل حاضر است و پایان پذیر نیز می‌باشد، تبدیل به ثروتی ماندگار برای نسل‌های آینده شود. این چارچوب دیگر ساختاری مشروط به بازار نخواهد داشت بلکه مستقل از شرایط امروز، این میزان ذخیره‌سازی را برای نسل‌های آینده صورت می‌دهد. از آنجایی که موجودی این صندوق متعلق به نسل‌های آینده است، برداشت از این صندوق‌ها مربوط به مواردی است که مربوط به همه نسل‌ها باشد، مثل جنگ یا زامانی که درآمد حاصل از منابع طبیعی آن کشور تمام شده باشد.

۳. این سیستم در برخی از کتاب‌های نظری به نام صندوق‌های تأمین مالی نیز خوانده می‌شود. در عمل این صندوق‌ها دقیقاً چنین عملکردی را دارا هستند و برای تأمین مالی بودجه و حفظ تراز بودجه به کار می‌روند. در این سیستم بودجه و صندوق با یکدیگر تلفیق می‌شوند و موجودی صندوق کسری ناشی از بخش غیر وابسته به نفت و یا دیگر منابع طبیعی پایان‌پذیر را نیز تأمین می‌نماید و برعکس اگر مازاد بودجه نیز ناشی از بخش‌های دیگر نیز باشد، به این صندوق واریز می‌گردد (دیویس و همکاران، ۲۰۰۱).



- برای دستیابی به کاهش سهم درآمدهای نفت در اقتصاد و با توجه به وجود ظرفیت قانونی در برنامه پنجم توسعه مبنی بر اینکه حداقل ۲۰ درصد منابع حاصل از نفت خام به عنوان یکی از منابع به صندوق واریز می‌شود، پیشنهاد می‌گردد طی دوره انتقالی میزان حداقل تعیین شده در قانون برنامه پنجم در فرایندی تدریجی افزایش یابد؛ به طوری که سهم بیشتری از درآمدهای نفتی به این صندوق واریز شود (مهرآرا و همکاران، ۱۳۸۹).
 - روش‌های سرمایه‌گذاری باید توسط کارشناسان متخصص تهیه و مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد و به طور سالانه، به‌هنگام گردد^۱. استراتژی صندوق علاوه بر شفافیت، لازم است انعطاف‌پذیر نیز باشد تا بتواند شرایط لازم برای بازدهی بالاتر در سرمایه‌گذاری‌ها را فراهم نماید^۲.
 - پیشنهاد می‌شود به منظور لحاظ نمودن نگاه بین‌نسلی، در چگونگی تخصیص مصرف منابع صندوق به اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی و پولی، حداکثرسازی بازدهی در کل دوره تولید و صدور نفت (تازمان پایان ذخایر) مدنظر قرار گیرد (مزینبی و قربانی، ۱۳۹۲).
 - بهبود چارچوب قانونی و نهادی موجود یا وضع قوانین جدید (در صورت نیاز) در راستای افزایش کارایی صندوق نیز لازم است مورد توجه قرار گیرد تا از استفاده منابع صندوق برای اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت جلوگیری نماید و به علاوه فساد را کاهش دهد. (مزینبی و قربانی، ۱۳۹۲)
- آنچه در بالا مطرح شد، ملاحظاتی در خصوص مدیریت بهینه (مطلوب) مازاد درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور بود. بدیهی است بخش دیگر از مدیریت بهینه درآمدهای نفتی ناظر به اعمال مدیریت کارا در مصرف بخش اصلی این درآمدها از مجرای بودجه سنواتی می‌باشد که مستلزم انضباط پولی، مالی، ارزی و... دولت است. در این چارچوب می‌توان وضعیت مطلوب مدیریت درآمدهای نفتی را در قالب جداول ۴ و ۵ به تفکیک کوتاه‌مدت و بلندمدت خلاصه کرد.

۱. سرمایه‌گذاری در بازارهای پولی و مالی خارجی به عنوان یکی از روش‌های مصارف صندوق در ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه معرفی شده اما سقف یا کف میزان این سرمایه‌گذاری‌ها تعیین نشده است.
۲. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: «درباره لایحه برنامه پنجم توسعه (۸): حوزه اقتصاد کلان (۱۳۸۹). دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی».



جدول ۴. تبیین وضع مطلوب برای مدیریت بهینه درآمدهای نفتی

ردیف	تبیین وضع مطلوب - کوتاه مدت	منبع
۱	بومی‌سازی نهاد ذخیره مازاد درآمدهای نفتی با توجه به نیاز و ملاحظات ملی	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۲	جلوگیری از ورود منابع صندوق (مازاد درآمدها) به اقتصاد ملی	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۳	منطقی‌سازی وابستگی هزینه‌های جاری دولت به عواید نفت	منظور (۱۳۸۸)
۴	شفاف کردن بدهی‌ها و تعهدات دولت	منظور (۱۳۸۸)
۵	متعهد نمودن دولت به سیاست‌های برنامه‌ای در هزینه‌های جاری و عمرانی	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)

ردیف	تبیین وضع مطلوب - بلند مدت	منبع
۱	اتخاذ رویکرد اقتصادی در زمینه منابع صندوق با هدف خلق درآمد برای نسل‌های آتی	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۲	قطع ارتباط میان درآمدهای نفتی و سیاست‌های پولی	مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹)
۳	قطع ارتباط میان سیاست‌های پولی و هزینه‌های جاری دولت	مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹)
۴	حداقل‌سازی نقش دولت در سیاست‌های پولی	حصارزاده (۱۳۹۱)
۵	منطقی‌سازی سهم نظام بانکی در تأمین مالی اقتصاد ملی از مجرای تقویت بازار سرمایه	مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹)
۶	افزایش استقلال نسبی بانک مرکزی، به‌ویژه در انتخاب ابزارهای سیاستگذاری	مظاهری (۱۳۹۱) و آل اسحاق (۱۳۹۱) و میرمطهری (۱۳۹۱)
۷	کاهش سهم دولت در بازار پول	حصار زاده (۱۳۹۱)
۸	ثبات سیاست‌های پولی و مالی و استقلال این دو حوزه سیاستگذاری	مزینی و قربانی (۱۳۹۲)
۹	کاهش ارتباط میان درآمدهای نفتی و سیاست‌های ارزی	موسوی آزاد کسمایی (۱۳۹۱)



۵- تحلیل ماتریس SWOT

از زمان ظهور مدیریت راهبردی^۱ و تفکیک آن به عنوان یک حوزه مطالعه در مدیریت متعارف^۲ بیش از شش دهه می‌گذرد که در این زمان، نظریه‌ها و تحلیل‌های راهبردی متفاوتی ارائه شده‌اند که برخی به عنوان نظریه‌های غالب پدیدار شده و برخی نیز رو به افول گذاشته‌اند (بنی‌اسد، ۱۳۹۰). در سال ۱۹۷۱ کنت اندروز در حوزه راهبرد، کتابی با عنوان «مفهوم راهبرد سازمان»^۳ تألیف کرد. در این دوره، اولین مکتب مدیریت راهبردی، مکتب طراحی پایه‌گذاری شد که تمرکز آن روی شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات خارجی و قوت‌ها و ضعف‌های داخلی بود و ماتریس سوات SWOT و نظریه شایستگی‌های متمایز در این دوره طراحی و استفاده شدند (بنی‌اسد، ۱۳۹۰). در حقیقت، تحلیل SWOT در شناسایی و تشخیص روابط موجود محیطی و توسعه مسیرهای مناسب می‌تواند به کشورها نیز مانند سازمان‌ها کمک کند. با استفاده از این تحلیل می‌توان قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیداتی را که یک کشور با آنها مواجه است، شناسایی کرد و از مزایای رقابتی یک کشور نسبت به سایر کشورها آگاهی یافت. بررسی و تحلیل عوامل محیط داخلی و محیط خارجی مؤثر بر الگوی تعامل مؤثر و سازنده با اقتصاد بین‌الملل و شناسایی قوت‌ها و ضعف‌های ملی و منطقه‌ای، همراه با فرصت‌ها و تهدیداتی که محیط خارجی بر جنبه‌های توسعه‌ای و امنیتی کشور وارد می‌کند، سبب می‌شود تا محقق مهم‌ترین مسائل راهبردی مرتبط با توسعه و امنیت ملی کشور را شناسایی کند. پس از آن باید برای حل هر مشکل، اقدام به تدوین اهداف راهبردی مناسب و در پی آن به منظور تحقق هر هدف راهبردی، به تدوین راهبردهای مناسب پرداخت.

در این بخش، جهت تبیین چشم‌انداز و تهیه و تدوین برنامه عملیاتی با استفاده از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های استخراج‌شده به اجرای تکنیک SWOT پرداخته و راهبردهای پیشنهادی استخراج می‌گردند. همان‌گونه که پیش از این مشاهده گردید، در بخش‌های پیشین به آسیب‌شناسی وضع موجود و بررسی وضع مطلوب پرداخته شد. در این قسمت با توجه به یافته‌های بخش‌های قبلی و با استفاده از تحلیل SWOT به استخراج راهبردهای عملیاتی برای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب پرداخته تا مبنای تدوین نقشه راه قرار گیرد. نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است.

1. Strategic management
2. Conventional Management
3. Concept of Corporate Strategy



جدول ۵. استخراج نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌ها برای مدیریت درآمدهای نفتی با رویکرد اقتصاد مقاومتی^۱

ضعف‌ها (W):	قوت‌ها (S):	
<ul style="list-style-type: none"> - سهم عمده نفت از درآمدهای ارزی - نظام تأمین مالی بانک‌محور در کنار عدم استقلال سیستم بانکی - عدم شفافیت عملکرد دولت - وجود سلطه مالی دولت در اقتصاد ایران (سرکوب مالی) - افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی - افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی - ماهیت مالی و بودجه‌ای بدهی‌های دولت به بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت) - ماهیت مالی و بودجه‌ای جریان فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت) - افزایش مستمر نقدینگی (عمدتاً ناشی از افزایش پایه پولی تا ضریب تکاثری) - تأثیر قابل توجه نوسانات درآمدهای نفتی بر عملکرد پولی بانک مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش قابل توجه در جریان صادرات غیر نفتی طی سال‌های اخیر - برخورداری ایران از منابع عظیم نفت 	<p>ماتریس SWOT برای: مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی</p>
راهبردهای فرصت - ضعف (W.O)	راهبردهای قوت و فرصت (S.O)	فرصت‌ها (O):
<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در راستای تأمین مالی دولت، به‌ویژه در هزینه‌های جاری (ک) - کاهش نقش حاکمیتی دولت در مدیریت صندوق (ک) - استفاده از منابع صندوق در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و کسب درآمد از منابع صندوق از محل سرمایه‌گذاری (ب) 	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از منابع صندوق توسعه ملی جهت تأمین مالی صادرات (ک) - افزایش کارایی عملکرد صندوق (گردش مالی صندوق) (ک) 	<ul style="list-style-type: none"> - تأسیس صندوق توسعه ملی
راهبردهای ضعف - تهدید (W.T)	راهبردهای قوت - تهدید (S.T)	تهدیدها (T):
<ul style="list-style-type: none"> - کاهش ارتباط درآمدهای نفتی با بودجه دولت (ب) - کاهش ارتباط درآمدهای نفتی با سیاست‌های ارزی، پولی و مالی (ب) - کاهش سلطه مالی دولت در اقتصاد (ب) - کاهش واقعی سهم و نقش دولت در بازار پول کشور (ب) - افزایش نسبی استقلال بانک مرکزی و کاهش مداخله دولت در حوزه پول و ارز (ب) - التزام به سیاست کنترل تورم و ثبات مالی) به عنوان اولویت اصلی (ب) - الزام دولت به شفافیت در سیاست‌های مدیریت بدهی (ک) 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش کنترل و مدیریت دولت بر منابع و جریان درآمدهای ارزی با رویکرد درآمدی (ک) - بسترسازی جهت انتقال کامل منابع ارزی ناشی از صادرات غیرنفتی به داخل کشور (ک) - متنوع سازی درآمدهای ارزی (ب) - حرکت به طرف درآمدهای صادراتی پایدار (ب) - مدیریت بازار ارز با توجه به تراز تجاری کشور (ک) - منطقی‌سازی قیمت‌های نسبی با هدف دستیابی به تراز تجاری مثبت- بدون نفت (ب) 	<ul style="list-style-type: none"> - سهم بالای دولت در صادرات غیرنفتی - افزایش تقاضای واردات (رسمی و غیررسمی) - اشاعه فرهنگ رانت و تبعیض - عدم تعهد حاکمیت (دولت) به الزامات قانونی در مدیریت مازاد درآمدهای نفتی - بالا بودن اندازه دولت در اقتصاد - عدم تعادل مزمن در بازار ارز - اختلال در قیمت‌های نسبی اقتصاد

باز تعریف نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با تأکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی / امیرحسین مرینی و سعید قربانی



توضیح: ۱- نماد «ب» و «ک» به ترتیب معرف بلندمدت و کوتاهمدت می‌باشند.
۲- بدیهی است می‌توان در جدول فوق، راهبرهای متعددی را استخراج نمود
اما در مقاله حاضر، تلاش گردیده به مواردی پرداخته شود که ارتباط معناداری
با موضوع اصلی مطالعه (مدیریت درآمدهای نفتی) دارند.

۶- تحلیل شکاف^۱ و طراحی نقشه راه^۲

بعد از استخراج راهبردها به روش تحلیل (ماتریس) SWOT در ادامه کار تلاش می‌شود
تحلیل شکاف صورت گیرد. به طور کلی، می‌توان تحلیل شکاف را بررسی فاصله میان
وضع موجود و وضع مطلوب به منظور دستیابی به راهکارهایی برای حصول به وضع
مطلوب دانست؛ بدین معنا که پس از شناسایی وضعیت موجود در قالب معیارها و
شاخص‌های معین به شناسایی و تعریف وضع مطلوب پرداخته می‌شود و سپس نحوه
دستیابی به آن و کاهش فاصله موجود مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. این فرایند
در جدول ۶ و به تفکیک کوتاهمدت و بلندمدت منعکس شده است.





جدول ۶: چارچوب کلی برای گذار از وضع موجود به مطلوب مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران (مبثنی بر رویکرد اقتصاد مقاومتی)

بندمدت	وضع مطلوب		راهکارهای عملیاتی		بندمدت	راهبردها		وضع موجود	توضیحات
	بندمدت	کوتاه مدت	بندمدت	کوتاه مدت		بندمدت	کوتاه مدت		
قطع ارتباط میان درآمدهای نفتی و سیاستهای پولی	بومی سازی نهاد ذخیره مازاد درآمدهای نفتی (چه صندوق و چه حساب) با توجه به نیاز و ملاحظات ملی	بومی سازی نهاد ذخیره مازاد درآمدهای نفتی (چه صندوق و چه حساب) با توجه به نیاز و ملاحظات ملی	سیاستهای پولی، ارزی و مالی	گسترش بی رویه بودجه در شرایط بهبود درآمدهای نفتی	کاهش واقعی سهم و نقش دولت در بازار پول کشور	افزایش کارایی عملکرد صندوق (گردش مالی صندوق)	پرهیز از استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در راستای تأمین مالی دولت	سهم عمده نفت از درآمدهای نفتی	عدم تعهد دولت به الزامات قانونی در مدیریت مازاد درآمدهای نفتی
اتخاذ رویکرد اقتصادی در زمینه منابع صندوق با هدف خلق در آمد برای نسل های آتی	به حداقل رسانی ناترازی نرخ ارز	بهبود درآمدهای نفتی	کاهش وابستگی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت	حمایت مؤثر از صادرات (جوایز و...)	حرکت به طرف چشم صادراتی	بستر سازی جهت انتقال کامل منابع ارزی ناشی از صادرات غیرنفتی به داخل کشور	باز تعریف صندوق توسعه ملی با توجه به الزامات ملی	سهم بالای دولت در افزایش صادرات غیرنفتی طی سال های اخیر	افزایش تقاضا برای واردات (رسمی و غیررسمی)
دستیابی به درآمدهای ارزی پایدار	ایجاد تعادل در قیمت های نسبی	ایجاد تعادل در قیمت های نسبی	سیاست هدف گذاری	تعیین نرخ ارز و تراز تجاری	تبادل در تراز تجاری بدون نفت	توجه بیشتر به صادرات غیرنفتی	بازار ارز	عدم تعادل ادواری و مزمن در بازار ارز	اختلال در قیمت های نسبی اقتصاد
تبادل در تراز تجاری بدون نفت	تبادل در تراز تجاری بدون نفت	تبادل در تراز تجاری بدون نفت	تورم جهت ایجاد ثبات نسبی در قسمتهای نسبی	تورم جهت ایجاد ثبات نسبی در قسمتهای نسبی	تبادل در تراز تجاری بدون نفت	توجه بیشتر به صادرات غیرنفتی	بازار ارز	اختلال در قیمت های نسبی اقتصاد	اختلال در قیمت های نسبی اقتصاد



وضع مطلوب	راهکارهای عملیاتی		راهبردها		وضع موجود	توضیحات
	بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	کوتاه مدت		
<p>بلندمدت</p> <p>- حداقل سازی نقش دولت در سیاست‌های پولی</p> <p>- کاهش سهم دولت در بازار پول</p>	<p>بلندمدت</p> <p>- تعدیل نگاه بودجه‌ای دولت به بانک مرکزی</p> <p>- هدایت دولت به بهره‌گیری از قابلیت‌های بازار سرمایه</p> <p>- اعمال سیاست هدف‌گذاری، تزویم توسط بانک مرکزی</p>	<p>کوتاه مدت</p> <p>- کاهش تدریجی استقرار دولت از سیستم بانکی</p>	<p>بلندمدت</p> <p>- کاهش واقعی سهم و نقش دولت در بازار پول کشور</p> <p>- ایجاد ثبات در رشد پایه پولی</p>	<p>کوتاه مدت</p> <p>- کاهش استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در راستای تأمین مالی دولت</p>	<p>۳</p> <p>- افزایش خالص بدهی دولت به بانک مرکزی</p> <p>- ماهیت مالی و بودجه‌ای بدهی‌های دولت به بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت)</p> <p>- افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی</p> <p>- ماهیت مالی و بودجه‌ای جریان فزاینده دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (تحت تأثیر سیاست مالی دولت)</p>	
<p>بلندمدت</p> <p>- ثبات سیاست‌های پولی و مالی و استقلال این دو حوزه سیاست‌گذاری</p> <p>- قطع ارتباط میان درآمدهای نفتی و سیاست‌های پولی</p> <p>- قطع ارتباط میان سیاست‌های پولی و هزینه‌های جاری دولت</p>	<p>بلندمدت</p> <p>- کاهش الزامات و تکالیف دولتی برای سیستم بانکی</p>	<p>کوتاه مدت</p> <p>- کاهش تدریجی استقرار از سیستم بانکی و بانک مرکزی</p> <p>- عدم استفاده از منابع بانکی در هزینه‌های جاری دولت</p>	<p>بلندمدت</p> <p>- کاهش سهم پایه پولی در افزایش نقدینگی</p> <p>- هماهنگی سیاست‌های ارزی، پولی و مالی</p> <p>- سیاست کنترل تورم (و ثبات مالی) به عنوان اولویت اصلی بانک مرکزی</p>	<p>کوتاه مدت</p> <p>- استفاده از صندوق توسعه ملی برای کاهش تأثیر نوسانات درآمدهای نفتی بر نوسانات پولی</p>	<p>۴</p> <p>- افزایش مستمر نقدینگی (عمدتاً ناشی از افزایش پایه پولی تا ضریب تکاثری)</p> <p>- تأثیر قابل توجه نوسانات درآمدهای نفتی بر عملکرد پولی بانک مرکزی</p>	



وضع مطلوب		راهکارهای عملیاتی		راهبردها		وضع موجود	توجه
بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	کوتاه مدت		
<ul style="list-style-type: none"> - اتخاذ رویکرد اقتصادی در زمینه منابع صندوق با هدف خلق درآمد برای نسل‌های آتی - منطقی‌سازی سهم نظام بانکی در تأمین مالی اقتصاد ملی از مجرای تقویت بازار سرمایه 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش استقلال نسبی بانک مرکزی، بالآخر در انتخاب ابزارهای سیاست‌گذاری 	<ul style="list-style-type: none"> - حرکت به سمت تأمین مالی بازار محور - به حداقل رسانی نیازهای مالی دولت در سیاست‌های اعتباری - هدایت دولت به بهره‌گیری از قابلیت‌های بازار سرمایه 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش تدریجی اتکالی بودجه‌ای دولت بر سیستم بانکی و بانک مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - بسترسازی برای ایجاد سازوکارهای جدید تأمین مالی - تلاش برای کاهش سلطه مالی دولت در اقتصاد - افزایش استقلال بانک مرکزی و کاهش مداخله دولت در بازار پول و ارز 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش کنترل و مدیریت دولت بر منابع و جریان درآمدهای ارزی، با رویکرد در آمدی - استفاده از ظرفیت‌های صندوق توسعه ملی برای کاهش بار تأمین مالی نظام بانکی - ایجاد بسترهای لازم از جانب دولت برای افزایش استقلال بانک مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - نظام تأمین مالی بانک محور در کنار عدم استقلال سیستم بانکی - وجود سلطه مالی دولت در اقتصاد ایران - نقش اساسی دولت در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (ناشئ از فشار دولت به سیستم بانکی در راستای اعطای تسهیلات) 	۵
<ul style="list-style-type: none"> - انضباط پولی و مالی دولت 	<ul style="list-style-type: none"> - شفاف کردن بدهی‌ها و تعهدات دولت - متعهد نمودن دولت به سیاست‌های برنامه‌ای در هزینه‌های جاری و عمرانی 	<ul style="list-style-type: none"> - اعمال سیاست هدف‌گذاری تورم توسط بانک مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش شفافیت عملیات پولی دولت - افزایش پاسخگویی دولت متعهد نمودن دولت به سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب 	<ul style="list-style-type: none"> - الزام دولت به شفافیت در سیاست‌های مدیریت بدهی 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم شفافیت عملکرد دولت - وجود فرهنگ رانت 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم شفافیت عملکرد دولت - وجود فرهنگ رانت 	۶

وضع مطلوب		راهکارهای عملیاتی		راهبردها		وضع موجود	رتبه
بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	کوتاه مدت	بلندمدت	کوتاه مدت		
	کوتاه مدت - متعهد نمودن دولت به سیاست‌های برنامه‌ای در هزینه‌های جاری و عمرانی	بلندمدت	کوتاه مدت - مدیریت بهینه صندوق در جهت کاهش رانت خواری و افزایش شاخص‌های حاکمیت خوب	بلندمدت	کوتاه مدت - برهبر از استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در راستای تأمین مالی دولت - افزایش کارایی عملکرد صندوق (گردش مالی صندوق)	- اشاعه فرهنگ رانت و تبعیض	۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۷. نتیجه گیری

در یک جمع بندی کلی می توان این طور بیان کرد که مدیریت درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، صرفاً با مدیریت بهینه صندوق توسعه ملی قابل حل نیست؛ چرا که اساساً این صندوق با فرض عملکرد صحیح نیز فقط می تواند به مدیریت آن بخش از درآمدهای نفتی بپردازد که به عنوان مازاد در قالب بودجه سنواتی به مصرف نرسیده و عملاً از حوزه اقتصاد ملی کنار گذاشته می شوند. حال آنکه اقتصاد ایران اساساً در مدیریت بخش اصلی این درآمدها که به عنوان منبع اصلی درآمدی دولت نیز تلقی می شود، با مشکلات اساسی مواجه است و عملاً ناکارایی موجود در مدیریت این بخش از درآمدهای نفتی بر بخش دیگر نیز سایه انداخته و آن را با مشکلاتی مواجه کرده است. همان گونه که در خلال مطالعه حاضر نیز مطرح گردید، به نظر می رسد می توان در زمینه مدیریت کلان درآمدهای نفتی، اعمال مدیریت بهینه در این دو بخش را لازم و ملزوم یکدیگر و به تعبیری شرط لازم و کافی دانست؛ به عبارت دیگر، برای مدیریت بهینه درآمدهای نفتی، دستیابی به یک سازوکار مناسب برای هزینه کرد بخش اصلی این درآمدها در قالب بودجه سنواتی، شرط لازم و طراحی سازوکار کارآمد ذخیره سازی مازاد این درآمدها (مثلاً در قالب صندوق توسعه ملی) شرط کافی به حساب می آید. در این چارچوب برای تحقق شرط لازم مواردی چون انضباط پولی و مالی دولت، هماهنگی بین سیاست های پولی، ارزی و مالی، استقلال نسبی بانک مرکزی و... ضروری می نماید و تحقق شرط کافی نیز مستلزم طراحی یک نهاد بومی برای ذخیره سازی مازاد درآمدهای نفتی همچون صندوق توسعه ملی و پایبندی به الزامات آن است. در این ارتباط استراتژی های و راهکارهای ممکن در جدول ۶ و در قالب یک نقشه را پیشنهاد گردید. می توان نقشه راه طراحی شده را در افق زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و به تفکیک در سه گروه راهکارهای: سیاستی، ساختاری و عملکردی در قالب جدول ۷ نشان داد.

جدول ۷. نقشه راه مدیریت درآمدهای نفتی با تأکید بر سیاست های اقتصاد مقاومتی

کوتاه مدت	راهکار سیاستی	راهکار ساختاری	راهکار عملکردی
	- کارا نمودن سیاست های حمایتی دولت در سیستم بانکی - حرکت به طرف نرخ ارز و نرخ بهره تعادلی	- باز تعریف سازوکار صندوق توسعه ملی	- افزایش التزام دولت به سیاست ها و برنامه های مصوب - حرکت به طرف بودجه متوازن - کاهش پدیده سرکوب مالی



راهکار عملکردی	راهکار ساختاری	راهکار سیاستی	
<ul style="list-style-type: none"> - افزایش التزام دولت به سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب - حرکت به طرف بودجه متوازن - کاهش پدیده سرکوب مالی 	<ul style="list-style-type: none"> - باز تعریف سازوکار صندوق توسعه ملی 	<ul style="list-style-type: none"> - کارا نمودن سیاست‌های حمایتی دولت در سیستم بانکی - حرکت به طرف نرخ ارز و نرخ بهره تعادلی 	کوتاه مدت
<ul style="list-style-type: none"> - مدیریت منابع صندوق و سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی - تعادل در قیمت‌های نسبی - حداقل‌سازی ماهیت بودجه‌ای - بدهی دولت به بانک مرکزی 		<ul style="list-style-type: none"> - هدف‌گذاری سهم کاهنده درآمدهای نفتی در بودجه دولت - سیاست هدف‌گذاری تورم و تعادل در تراز تجاری (بدون نفت) 	میان مدت
	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش سهم بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد - افزایش استقلال بانک مرکزی (قطع ارتباط جریان درآمدهای نفتی با سیاست‌های پولی و ارزی) - کاهش سهم دولت در اقتصاد ملی و افزایش شفافیت عملکردی آن - متنوع‌سازی درآمدهای ارزی 		بلندمدت

منابع الف) مقالات

۱. آل اسحاق، یحیی (۱۳۹۱)؛ **راهی جز استقلال و اقتدار بانک مرکزی نیست**، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۵
۲. بهبودی، داوود، متفکر آزاد، محمدعلی و محمدزاده، پرویز (۱۳۹۱)؛ **صندوق توسعه ملی یا توزیع مستقیم درآمدهای نفتی (بررسی مقایسه‌ای)**، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۷۱
۳. بهبودی، داوود، متفکر آزاد، محمدعلی و ممی‌پور، سیاب (۱۳۹۱)؛ **ارزیابی اثرات توزیع مستقیم درآمدهای نفتی بر تولید ناخالص داخلی ایران با روش تعادل عمومی پویا**، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۱۰
۴. توکلین، حسین (۱۳۹۰)؛ **عملکرد سیاست پولی در ایران طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۸**، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۲، سال نهم
۵. حصارزاده، رضا (۱۳۹۱)؛ **اثر شفافیت بر کنش‌های اقتصادی؛ شفافیت بیشتر سیاست‌گذاری پولی چه اثری بر فعالیت‌های اقتصادی دارد؟**، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۵



۶. خضری، محمد (۱۳۸۸): بیماری هلندی و ضرورت استفاده درست از درآمدهای نفتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره چهارم
۷. درباره لایحه برنامه پنجم توسعه (۸): حوزه اقتصاد کلان (۱۳۸۹)، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۸. زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۰): ارزیابی متغیرهای پولی، فصلنامه تازه‌های اقتصادی، شماره ۱۳۳
۹. سیف، الله‌مراد و حافظیه، علی‌اکبر (۱۳۹۲): راهبردهای تجارت بین‌الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۰
۱۰. شفیعی، سعیده و مرعشی‌علی‌آبادی، سارا (۱۳۹۱): چالش‌های اساسی پیش روی مدیریت صندوق توسعه ملی در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال اول، شماره دوم
۱۱. شیرخانی، محمدعلی، براری، اباذر و پور شیرازی، حسین (۱۳۸۹): تئوری «نفرین منابع» یا نحوه مدیریت درآمدهای نفتی؛ مطالعه موردی: مقایسه ایران و انرژی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲
۱۲. کریمی فرد، حسن (۱۳۹۰): ارزیابی صندوق درآمدهای ملی ناشی از فروش منابع طبیعی تجدیدناپذیر؛ با تأکید بر صندوق توسعه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۸، شماره ۶۷
۱۳. گودرزی، آتوسا، سهرابی، عبدالرضا و واشقانی، محسن (۱۳۸۱): بررسی اهداف و عملکرد حساب ذخیره ارزی در ایران؛ مروری بر تجربه کشورهای منتخب، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی
۱۴. مزینی، امیرحسین و قربانی، سعید (۱۳۹۲): نقشه راه مدیریت بهینه درآمدهای نفتی، اولین همایش ملی نفت و توسعه اقتصادی، مرکز مطالعات نفت و توسعه اقتصاد
۱۵. مظاهری، طهماسب (۱۳۹۱): استقلال سیاست پولی حفظ شود، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۵
۱۶. معلمی، سید مهدی (۱۳۹۱): مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی، اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی، دانشگاه علم و صنعت
۱۷. منظور، داوود و یادی پور، مهدی (۱۳۸۸): تجربه کشورهای مختلف در زمینه مدیریت درآمدهای نفتی و درس‌هایی برای ایران، راهبرد یاس، شماره ۱۷
۱۸. مهر آرا، محسن، ابریشمی، حمید و زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۰): تفسیری از فرضیه نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت: تکانه‌های مثبت نفتی، از چه سطح آستانه‌ای برای رشد اقتصادی، مضر است؟، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هشتم، شماره ۲۸
۱۹. مهر آرا، محسن، دهقان منشادی، محمد و پور رحیم، پروین (۱۳۸۹): بررسی نقش



- صندوق‌های نفتی در کنترل بی‌ثباتی اقتصاد کلان در کشورهای نفت خیز، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۷، سال ۱۹
۲۰. موسوی آزاد کسمایی، افسانه (۱۳۹۱): ارزیابی حساب ذخیره ارزی با رویکرد استفاده بهینه درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور، راهبرد یاس، شماره ۳۰
۲۱. میر مطهری، احمد (۱۳۹۱): آیا بانک مرکزی ایران استقلال دارد؟، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۵
۲۲. نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۸): نفت، بخش پیشرو در توسعه نامتوازن ایران، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۲
۲۳. همتی، مریم (۱۳۹۱): ارزیابی عملکرد سیاست پولی در ایران، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۶

ب) کتاب

۲۴. بنی اسد، رضا (۱۳۹۰): مدیریت راهبردی با تأکید بر جهاد اقتصادی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

ج) منابع اینترنتی

۲۵. بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (www.cbi.ir)
۲۶. سازمان توسعه تجارت www.tpo.ir
۲۷. صمیمی، احمد (۱۳۸۶): نگاهی دیگر به اقتصاد ایران و بیماری هلندی، سایت رستاک (www.rastak.com)
۲۸. طیبیان، محمد (۱۳۸۷): نفرین نفت یا سوءاستفاده از منابع، سایت رستاک (www.rastak.com)

A) Article

29. Aizenman, J and Glick, R. (2008). “**Sovereign Wealth Funds: Stylized Facts about their Determinants and Governance**”. Working Paper, No 14562. NBER Working Paper
30. Barder, O. (2006). “**A Policymakers Guide to Dutch Disease. Center for Global Development**”. Working Paper No 91. available at www.cgdev.org
31. Davis, JM. R Ossowski James A Dniel & Steven Barnett. (2001). “**Stabilization and Saving Funds For Nonrenewable Resources: Experience and Fiscal Implications**”. IMF Occasional Paper 205
32. El-Anshasy, A. and Bradley, M.D. (2012). “**Oil Prices and the Fiscal Policy Response in Oil-Exporting Countries**”. Journal of Policy Modeling, vol.34



33. Mehrara, M. (2007). **“Energy Consumption and Economic Growth: The Case of Oil Exporting Countries”**. Energy Policy, vol.35
34. Mehrara, M. (2008). **“The Asymmetric Relationship between Oil Revenues and Economic Activities: The Case of Oil-Exporting Countries”**. Energy Policy, vol.36
35. Mehrara, M. and Niki Oskoui, K. (2007). **“The Sources of Macroeconomic Fluctuations in Oil Exporting Countries: A Comparative Study”**. Economic Modelling, vol.24
36. Sachs, J.D., Warner, A.M. (1995). **“Economic Convergence and Economic Policy”**. Working Paper, Cambridge MA

B) Book

37. Auty, R. (1993). **“Sustaining Development in Mineral Economies: The Resource Curse Thesis”**, Routledge
38. El-Anshasy, A., Bradley, M.D., Joutz, F.L. and Frederick, L. (2006). **“Oil Prices, Fiscal Policy, and Venezuela’s Economic Growth”**. Department of Economics the George Washington University
39. Sorhun, E. (2007). **“Oil Boom, Chewing Gum, and Oil Fund”**. Bureau of Theoretical and Applied Economics, Louis Pasteur University
40. Stijns, Jean- philippe (2002), **“An Empirical Test of Dutch Disease Hypothesis Using Gravity Model of Trad. University of California at Berkeley”**, Department of Economics
41. Sturm, M., Gurtner, F., Alegre, G. (2009). **“Fiscal Policy Challenges in Oil-Exporting countries, A Review of Key Issues”**. European Central Bank, Occasional Paper Series, NO104

C) WebSite

42. Bauer, A. (2013). **“Subnational Oil, Gas and Mineral Revenue Management”**. www.revenue-watch.org
43. www.apfc.org Alaska permanent fund cooperation
44. www.bcv.org.ve /IMF Venezuelan Fund for Macroeconomic Stabilization
45. www.finance.gov.ab.ca Alberta Heritage saving trust fund
46. www.kia.kw Kuwait investment authority (KIA)

47. www.kuwait-info.com & en.wikipedia.org
48. www.mim.gov
49. www.revenuewatch.org
50. www.parsmodir.com/db/marketing/servqual.php

